



توانمندسازی اجتماعات محلی با تکیه بر کیفیت آموزش: ابزاری کارآمد در کاهش فقر شهری

گفت‌وگو با میثم هاشم‌خانی*

ایران بسیار زیاد است. موضوع دوم آن است که فقر آموزشی، فقر درآمدی را به دنبال دارد. اگر کسی به لحاظ آموزشی وضعیت خوبی در سنین کودکی و نوجوانی و جوانی نداشته باشد، احتمال اینکه در آینده دچار فقر درآمدی شود خیلی بیشتر است. این موضوع در گذشته نیز وجود داشته ولی در سال‌های اخیر خیلی شدیدتر شده است. یعنی در متون اقتصاد فقر مربوط به ۳۰ سال گذشته می‌خوانیم افراد فقیر که ممکن است به دلیل زندگی در خانواده فقیر آموزش خوبی هم نینند، مشاغلی مانند کارگری ساده، کشاورزی ساده و امثال آن را به دست می‌آورند. اما با روند خیلی سریع اتوماسیون در این حوزه‌ها و از بین رفتن این مشاغل، با دو پدیده همزمان مواجهیم. یکی آن که خانوارهای کم‌درآمد صاحب فرزندانی بیشتری می‌شوند که معمولاً به احتمال زیاد از آموزش حرفه‌ای نیز برخوردار نمی‌شوند، به ویژه آن‌که با ابزارهای تکنولوژیکی هم آشنایی ندارند. دیگر این‌که مشاغلی که نیازمند مهارت چندانی نیستند، مثل کارگری ساده و کشاورزی سنتی و امثال آن‌ها، به سرعت رو به تنزل هستند. یعنی کسی که امروز کشاورزی سنتی می‌کند،

چه ارتباطی بین آموزش و کاهش فقر می‌بینید؟

بنده در ابتدای صحبت‌م تصریح می‌کنم که به دلیل تخصصم در موضوع اقتصاد، رویکردی که نسبت به ارتباط فقر و آموزش اتخاذ خواهم کرد رویکرد اقتصادی است، و این به معنی نادیده انگاشتن رویکردهای مکمل مانند رویکردهای اجتماعی یا تخصص‌های دیگر نیست. در بررسی ارتباط فقر و آموزش، باید به چهار بحث مقدماتی اشاره کنیم. موضوع اول این است که بازار کار در یک دهه اخیر خیلی غیرقابل پیش‌بینی بوده است، یعنی تقریباً هر آنچه ما در یک دهه پیش در مورد بازار کار ۱۰ سال بعد پیش‌بینی کرده بودیم غلط از آب درآمد. به همین دلیل اکنون انتظار می‌رود که بسیاری از چیزهایی که برای ۲۰ سال بعد پیش‌بینی کرده‌ایم نیز اشتباه باشد. همین الان در تعدادی از رشته‌های فنی و مهندسی، نرم‌افزاری را در سال دوم مقطع کارشناسی آموزش می‌دهند که وقتی افراد وارد مقطع ارشد و سپس بازار کار بشوند، آن نرم‌افزار به کلی از بازار کار ایران کنار گذاشته شده است. به همین دلیل است که می‌گوییم اتفاقات غیرقابل انتظار در بازار کار